نگاه

دولت تدبیر و امنیت غذایی

محمد امامی . تحلیلگر امنیت غذایی

● دکتر حسن روحانی ریاست‌جمهوری اسلامی ایران پس از گذشت حدود سه‌هفته از آغاز به کار رسمی دولتش همان‌طور که پیش‌تر وعده کرده بود در صفحه تلویزیون حاضر شد تا در نخستین گفت‌وگوی تلویزیونی خود گزارشی به مردم ارایه کند.

رییس‌جمهور اصلی‌ترین چالشی را که دولتش با آن روبه‌روست قرارگرفتن کشور در شرایط رکود تورمی می‌داند. دکتر روحانی در این گفت‌وگو به ارقام تورم در کشور اشاره می‌کند و می‌گوید: «ارقام تورم نقطه‌به‌نقطه حدود ۴۴درصد و تورم سالانه در پایان مردادماه ۳۹درصد است. این ارقام نشان می‌دهد که کشور از نظر تورم و رکود در شرایط ویژه‌ای قرار دارد.»

اخیرا موسسه تحقیقاتی آمریکایی «زمین» در یک نظرسنجی وسیع بین‌المللی خوشبین‌ترین و شادترین ملت‌های کره زمین را جست‌وجو کرده است. این نظرسنجی با شرکت ده‌ها هزارنفر از شهروندان ۱۵۶کشور جهان انجام گرفته و حاصل این تحقیقات که هفته اول سپتامبر سال‌جاری میلادی انتشار یافته نشان می‌دهد که خوشبین‌ترین و امیدوارترین مردم در کشورهای اسکاندیناوی و اروپای غربی زندگی می‌کنند که عبارتند از دانمارک، نروژ، سوییس، هلند، سوئد و کانادا. این کشورها به ترتیب یک تا شش، شادترین مردمان جهان را درخود جای داده‌اند. در این نظرسنجی معیارهایی مانند میزان سلامت روانی، امید به زندگی سالم، درصد فساد موجود در کشور، تولید ناخالص داخلی، آزادی انتخاب برای شهروندان، برخورداری از حمایت‌های اجتماعی و میزان گشاده‌دستی شهروندان مورد توجه قرار گرفته است. ایران در این نظرسنجی در میان ۱۵۶ کشور در ردیف ۱۱۵ام قرار دارد. کشورهایی مانند جیبوتی با رتبه ۱۱۴، بنگلادش با ۱۰۸، عراق با ۱۰۵، سومالی با ۱۰۱، موزامبیک با ۹۴، زامبیا با ۹۱، پاکستان با ۸۱، ترکیه با ۷۷ و بالاخره ترکمنستان با رتبه پنجاه و نهم در رده‌های بالاتر و شادتر از ایران قرار دارند. در تازه‌ترین رده‌بندی مجمع جهانی اقتصاد نیز که بر اساس «شاخص رقابت‌پذیری اقتصادهای جهان» تنظیم شده، جایگاه ایران از ۶۶ به ۸۲ تنزل یافته است. این مجمع در تازه‌ترین گزارش رقابت‌پذیری جهانی (GCR) خود که مربوط به سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ میلادی است، اقتصاد ۱۴۸ کشور جهان را بررسی و رده‌بندی کرده است. بر اساس این گزارش، ایران در میان این ۱۴۸ کشور، از جایگاه ۶۶ به جایگاه ۸۲ تنزل یافته و این سقوط ۱۶ رتبه‌ای، با توجه به معیارهایی که در سنجش این شاخص به کار گرفته می‌شود نشان از اوضاع بحرانی در اقتصاد کشور دارد. در واقع این گزارش با اطلاعات جامعی که درباره شیوه‌های افزایش تولید و رفاه در اقتصاد کشورهای گوناگون دنیا ارایه می‌کند از جمله جامع‌ترین ارزیابی‌های اقتصادی موجود از کشورهای جهان است.

در گزارش دیگر این مجمع که بر اساس آمار و اطلاعات صندوق بین‌المللی پول منتشر شده، ایران با تورمی ۳۰/۶درصدی رتبه نخست تورم را در بین ۱۴۸ کشور دنیا از آن خود کرده است. در این گزارش گرجستان و سوییس دو کشوری معرفی شده‌اند با نرخ تورم منفی و میزان تورم در ژاپن نیز صفر اعلام شده است. بر طبق این گزارش کشورهای برونئی، اوکراین، امارات، نروژ و سوئد نیز تورمی زیر یک‌درصد را تجربه کرده‌اند. ایران نیز در رقابت با کشورهایی چون اتیوپی، مالاوی، ونزوئلا، تانزانیا، گینه، مغولستان، اوگاندا، سیرالئون و نیجریه و بالاتر از همه کشورها، کشوری با بیشترین میزان تورم در جهان معرفی شده است.

گزارش اخیر بانک مرکزی نیز حکایت از تورم بیش از ۵۶/۳درصدی مواد خوراکی در شهر تهران در هفته اول شهریورماه سال‌جاری نسبت به هفته مشابه سال گذشته دارد و نگرانی عمیقی که این تورم از بابت تامین امنیت غذایی از دو بعد پایداری و دسترسی اقتصادی برای شهروندان ایجاد می‌کند. شاید از همین رو است که رییس‌جمهور در نخستین گفت‌وگوی زنده تلویزیونی خود قسمتی از گزارشش را به بخش کشاورزی و مشکلات پیش روی این بخش اختصاص می‌دهد؛ بخشی که در هر کشوری وظیفه اصلی تامین امنیت غذایی به‌خصوص در بعد اول آن موجودی غذا (Food Availability) را بر دوش می‌کشد. در چنین شرایطی است که گویا تحقق خودکفایی در عرصه کالاهای اساسی می‌شود یکی از اولویت‌های دولت تدبیر و امید؛ مطلبی که البته خود جای تامل جدی دارد و در صورت نگاه یکجانبه به بحث خودکفایی بیم آن می‌رود که در آینده نیز به همین وضعیت دچار شویم که امروز پس از گذشت چند سال از برگزاری جشن خودکفایی گندم، به گفته ریاست محترم جمهوری ناچار به واردات هفت‌ونیم‌میلیون‌تن گندم هستیم. به هر تقدیر خودکفایی در محصولات اساسی از برنامه‌های اصلی دولت یازدهم است و شخص رییس دولت تاکید زیادی بر آن دارد: «شورای اقتصاد این هفته در زمینه کشاورزی تصمیم‌های مهمی خواهد گرفت، چون در تولید محصولات اساسی مثل برنج، گندم و ذرت باید اتفاق خوبی صورت گیرد.»

گزارش رییس‌جمهور فارغ از بیان وضعیت نگران‌کننده موجود حاوی این مزیت است که دولت مشکلات و معضلات اقتصادی کشور را لااقل در برهه کنونی و آنچه در کوتاه‌مدت با آن مواجه است مورد بررسی قرار داده و اینطور که پیداست در پی تدبیری است برای این مشکلات. حال پرسش این است که دولت تدبیر و امید چه راهکاری خواهد اندیشید تا با وجود همه سختی‌ها پاسخی شایسته به امید شهروندانش دهد؟

هشدار عیسی کلانتری در گفت‌وگو با «شرق»:

امنیت غذایی در خطر است

عکس: امیر جدیدی، شرق

رضا غیبی: کشاورزی در ایران برخلاف سایر نقاط جهان به حاشیه رانده شده تا مهاجرت روستاییان به شهرها و معضلات اجتماعی ناشی از این اتفاق به یکی از دغدغه‌های فعالان اجتماعی تبدیل شود. البته کم‌آبی و فرسایش خاک نیز حاصل بی‌برنامگی مدیران در حفاظت از این منابع بوده و تغییر شرایط آب‌وهوایی در جهان نیز خشکسالی و به‌حاشیه رانده‌شدن کشاورزی ایران را تسریع کرده است. شاید برای همین است که دبیرکل خانه کشاورز واردات برای تنظیم بازار را امری اجتناب‌ناپذیر می‌داند و می‌گوید: امنیت غذایی در خطر است. به گفته عیسی کلانتری در سال‌های اخیر برخی از گروه‌ها به بهانه واردات در راستای تنظیم بازار، اقتصاد ایران را به‌مخاطره انداخته‌اند. از نظر کلانتری تنظیم بازار بدون واردات غیرممکن است ولی اینکه هرکسی سرمایه داشت، واردات انجام دهد، نیز چندان خوشایند نیست. به باور وی این نکته که واردات توسط چه کسانی باید انجام شود، بحث آنهایی خواهد بود که به‌دنبال احیای سازمان برنامه و بودجه هستند. کلانتری سازمان برنامه و شورای اقتصاد را حلقه کنترل واردات می‌داند و آمارهای تولید و سرمایه‌گذاری در این حوزه را به‌چالش می‌کشد. گفت‌وگوی ما با عیسی کلانتری را در ادامه بخوانید:

◄ بحث توسعه پایدار که یکی از شعارهای انقلاب هم بود. این روزها بار دیگر مطرح است. اگر نگاهی گذرا به گذشته داشته باشیم، چرا ایران با ۵۰سال سابقه برنامه‌ریزی عملا راه به‌جایی نبرده است؟

هر توسعه‌ای که اقتصادی باشد، در تضاد با محیط‌زیست و مسایل اجتماعی نباشد و حق و حقوق نسل‌های بعدی در منابع حفظ شود، یک توسعه پایدار است. کاهش فقر هم در درون توسعه پایدار است. پایداری منابع، حفظ سرمایه و بسیاری موارد دیگر هم در همین تعریف نهفته است. اگر ما به توسعه پایدار بها دهیم، جامعه به مرور زمان به بسیاری از اهداف دیگر خود نیز می‌رسد، اما اگر به این مهم اهمیت داده نشود و توسعه به شکل جزیره‌ای، مقطعی و ناپیوسته باشد، ممکن است به‌هدردادن منابع بینجامد. از این‌رو حدود ۳۰سال است که توسعه پایدار به‌صورت اجرایی در برنامه‌های توسعه کشورها گنجانده شده است و این موضوع، منطق عینی، اقتصادی و زیست‌محیطی دارد. اگر ما در برنامه‌های توسعه‌ای خود از توسعه پایدار تبعیت نکنیم، هدردهنده منابع کشور خواهیم بود. در هشت‌سال گذشته ما بیش از ۸۰۰میلیارددلار درآمد ارزی داشته‌ایم که بخشی از آن را صرف توسعه کرده‌ایم، اما از آنجا که استفاده از آن بدون برنامه و بدون پیوستگی بوده و توسعه پول هزینه شد و بعضا بین مردم توزیع شده است، بدون آنکه کمکی به‌رشد کشور کند و بیکاری، تورم و نقدینگی را کاهش دهد. توزیع پول به تورم بالا و بیکاری گسترده انجامیده که مشکلات بسیاری برای طبقات فرودست جامعه ایجاد کرده است. این مشکلات نتیجه تصمیمات جزیره‌ای دولت است که در یک نشست و برخاست، صدها طرح را به تصویب می‌رساند و پول‌های بسیاری از این روش توزیع می‌شد؛ بسیاری از این طرح‌ها نیمه‌تمام هستند و به بهره‌برداری نرسیده‌اند. توزیع پول به این روش در نهایت به تورم انجامید و بسیاری از مشکلات ریز و درشت این روزهای کشور ریشه در اینگونه تصمیم‌ها و مدیریت‌ها دارد.

◄ توسعه در بخش روستا و توجه به کشاورزی یکی از نکاتی است که می‌تواند به کاهش فقر و توسعه متوازن منجر شود. طی سه دهه اخیر چه تغییراتی در این حوزه رخ داده است؟ ارزیابی شما از برنامه‌هایی که در سال‌های اخیر اجرا شده، چیست؟

وضعیت کشاورزی در این مدت مانند سایر حوزه‌های اقتصاد بوده است. وقتی بدون مطالعه، برنامه و توجه به امکانات و ظرفیت کشور تصمیم‌هایی گرفته می‌شود، حاصل آن نتیجه مطلوبی نخواهد بود. در سال ۱۳۸۴ دولت اعلام کرد تا سال ۸۸ در بیشتر محصولات کشاورزی به خودکفایی خواهیم رسید. با این حال در این مدت، در تولید کالاهایی هم که خودکفا بودیم، دچار مشکل شدیم و خودکفایی را از دست دادیم. در برنامه چهارم، رشد شش‌درصدی پیش‌بینی شده بود اما درنهایت رشد ۱/۴درصدی به‌دست آمد و در حقیقت تنها به ۲۰درصد از اهداف برنامه دست یافتیم. در مقابل بسیاری از منابع طبیعی (آب، خاک و...)، منابع ژنتیکی و سرمایه‌ها را از دست دادیم. از آنجا که سرمایه‌ها بدون برنامه تزریق شده بود، به تولید پایدار نرسیدیم. قیمت‌های تمام‌شده به‌شدت بالا رفت، منابع فرسوده شد، هدرروی آب طی هشت‌سال دو برابر شد و از ۵/۳ به نزدیک ۱۱میلیارد‌مترمکعب در سال رسید. افزایش فرسایش خاک هم که جای خود دارد.

◄ یکی از مباحث مطرح در کشاورزی، بازارهای فروش است. وضعیت محصولات کشاورزی در بازار داخلی و بازاریابی بین‌المللی چگونه است؟ آیا محصولات ایران در بازارهای جهانی یا حتی منطقه‌ای، سهم مناسبی دارند؟

حضور در بازارهای بین‌المللی رابطه مستقیم با سیاست خارجه کشور دارد. وقتی خرید نفت از ایران که مورد نیاز همه کشورهاست، تحریم می‌شود، کالاهای کشاورزی ایران – که برای بازارهای جهانی ضرورت کمتری از نفت دارد- به طریق اولی مورد تحریم قرار می‌گیرد. بدون توجه به سیاست‌های بین‌المللی، نمی‌توان برای بازارهای جهانی برنامه‌ریزی کرد. بازار داخلی نیز به توان مصرف مردم ارتباط دارد. کالاهای کشاورزی داخلی با وجود کمبود تولید، به دلیل قیمت تمام‌شده بالا، کشش بازار داخلی را هم ندارند. قیمت تمام‌شده تولید در ایران به دلیل سیاستگذاری‌های غلط، بالاست، اما بدتر از آن، وجود واسطه‌ها و دلالان در بازار است که کالاها به‌خصوص کالاهای فسادپذیر را با ۳۰۰ تا ۵۰۰درصد بالاتر از قیمت خرید به مصرف‌کننده می‌رسانند. مصرف‌کننده نیز درآمد ثابت و به‌دلیل تورم بالا تقاضای رو به پایینی دارد. به این دلیل کشش مصرف کالا در بازار داخل نیز پایین است. بعضی افراد ظاهربین می‌گویند مغازه‌ها پر از گوشت است، اما حقیقت این است که شکم‌ها خالی است، پربودن مغازه‌ها از کالا، دلیل بر مصرف بالا نیست، بلکه از فقر عمومی حکایت دارد. این سیستم اثر منفی بر تولید می‌گذارد.

◄ گفته می‌شود که در این سال‌ها انحصار و شبکه مافیایی به‌وجود آمده بود، مثلا در وزارت بازرگانی سابق مجمع عالی واردات شکل گرفت و کمیته‌هایی مانند کمیته واردکنندگان مواد پروتئینی تشکیل شد. این کمیته‌ها سرمایه‌های بسیاری در اختیار گرفتند که تماما صرف واردات شد در صورتی که بخشی از آن می‌توانست صرف سرمایه‌گذاری شود. چرا این اتفاق افتاد و اکنون که دولت آقای روحانی با شعار تدبیر و امید روی کار آمده است، چه راهکاری برای این معضل می‌توان داشت؟

ما آدرس غلطی از امکانات تولید جامعه به مردم داده‌ایم. امکانات تولید ما در جامعه به‌خصوص در مواد پروتئینی، بالا نیست. تولید شیر ما در حال حاضر هفت‌میلیون‌تن است در صورتی که وزارت جهاد کشاورزی آن را ۱۱میلیون‌تن اعلام می‌کند. تولید گوشت قرمز حدود ۷۰۰هزارتن است در صورتی که یک‌میلیون‌تن اعلام می‌شود. این میزان تولید هم با فشار بر منابع حاصل شده است. ما اگر بخواهیم به توسعه پایدار دست یابیم، باید به حقایق و آمار اعلامی توجه کنیم. تولید کشاورزی ما به دلیل عدم سرمایه‌گذاری مناسب در غذای ۴۲میلیون‌نفر وارد شده است. با این حال شعار می‌دهیم که ظرفیت تولید برای ۱/۵میلیاردنفر را در کشور داریم و می‌توانیم برای جمعیت ۳۰۰میلیونی غذا تولید کنیم. با وجود امکانات فعلی کشور، این میزان تولید محقق نمی‌شود. این صحبت‌ها ناشی از آگاهی‌های کم افراد است. ما نمی‌توانیم با دروغ زندگی کنیم. باید با واقعیت زندگی و بر اساس آن برنامه‌ریزی کنیم. در حال حاضر اگر ما در کشاورزی سرمایه‌گذاری کرده و تولید را به دوبرابر سال قبل برسانیم، می‌توانیم برای ۶۶میلیون‌نفر غذا تولید کنیم. اگر همه ظرفیت‌های تولید را به‌کار گرفته، از همه امکانات کشور استفاده کنیم و سرمایه‌گذاری‌های لازم صورت گیرد، بازهم نمی‌توان بیش از سه‌برابر سال قبل تولید کرد. با بالاترین راندمان‌های دنیا نیز تولید ما برای صدمیلیون‌نفر کفایت می‌کند و این میزان دست‌کم به ۱۵۰میلیارددلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد. تنها وسعت کشور معیار نیست. منابع این کشور وسیع در حال ویران‌شدن است اظهارنظرها که بر اثر اطلاعات غلط دست‌اندرکاران صورت می‌گیرد، انتظارات گسترده‌ای از بخش کشاورزی به‌وجود می‌آورد. اگر به اظهارات آقای اسکندری در سال ۸۴ و حتی ۸۸ رجوع کنیم، می‌بینیم آن شعارها تحقق نیافت و حتی تولید کشاورزی کمتر هم شد. ما در سال ۸۴ معادل ۶۳درصد خودکفا بودیم، در سال ۹۲ این میزان به ۴۳درصد رسیده است. ما دوست داریم کشورمان رشد سریعی داشته باشد، اما چون راه را بلد نیستیم، به بیراهه می‌رویم.

◄ با توجه با اینکه منابع مالی و طبیعی ما مانند گذشته نیست، راهکار جبران این ۲۰درصد کاهش در خودکفایی چه می‌تواند باشد؟

اگر در دولت جدید عقل حاکم باشد و توسعه پایدار را در نظر بگیریم، پیش از افزایش تولید، حفظ منابع تولید اهمیت دارد. ما ابتدا باید مادر را حفظ کنیم تا بتوانیم بچه را نگه داریم. باید به فکر این باشیم که چگونه از منابع آب حفاظت کنیم، چگونه از شورشدن خاک‌ها جلوگیری کنیم و در کنار آن به‌فکر این باشیم که چگونه با منابع آبی محدود تولید را افزایش دهیم. این کار نیاز به سرمایه‌گذاری دارد. با سالی سه‌تا چهارهزارمیلیاردتومان سرمایه، نمی‌توان کشاورزی را نجات داد. کشاورزی ایران دست‌کم به سه‌میلیارددلار سرمایه‌گذاری زیربنایی در سال احتیاج دارد. حداقل دوبرابر این میزان نیز سرمایه ریالی مورد نیاز است. تا زمانی که سرمایه‌گذاری صورت نگیرد، هیچ اتفاقی در این بخش نمی‌افتد. در صورت عدم سرمایه‌گذاری، روند تخریب منابع شتاب بیشتری می‌گیرد و کشاورزی بیشتر وابسته می‌شود. کشاورزان و در کنار آنها مسوولان سیاستگذاری و قانونگذاری باید بدانند اگر در کشاورزی کشور سرمایه‌گذاری سریعی صورت نگیرد، راهی برای نجات آن نیست.

◄ در حوزه تکنولوژی چطور می‌توان گفت از نظر تکنولوژیکی در شرایط خوبی قرار داریم؟

به دلیل مکانیزاسیون پایین، دستمزد بالای کارگر تکنولوژی به دو شکل تکنولوژی مکانیکی و بیولوژیکی مطرح می‌شود، تکنولوژی مکانیکی مربوط به ماشین‌آلات و ابزار است و بیولوژیکی مربوط به فناوری پیشرفته موجودات زنده اعم از گیاهی و دامی می‌شود. در کشور ما این دو تکنولوژی در سطح بالایی نیست. پژوهش‌های ما نتوانسته خود را با علم روز همتراز کند. این موضوع دلایل متعددی دارد در این زمینه متاسفانه خیلی عقب هستیم. پژوهش‌های موجود هم به‌دلیل عدم سرمایه‌گذاری، کاربردی نشده‌اند. در نهایت فشار بر منابع بیشتر شده است، چراکه بدون سرمایه‌گذاری خواسته‌ایم تولید را افزایش دهیم. توجه داشته باشید در حال حاضر متوسط دستمزد روزانه کارگر حدود ۱۰دلار است در صورتی که ۱۵ تا۲۰سال پیش این میزان حدود یک تا ۲۰دلار بود. ما اگر هم بخواهیم کارگر را جایگزین فناوری کنیم، قیمت تمام‌شده را بالاتر برده‌ایم. این موضوع اثر معکوس روی تغذیه، بهداشت و سلامت مردم دارد.

◄ در این حالت امنیت غذایی هم از بین می‌رود.

بله. می‌توان گفت امنیت غذایی در خطر است چراکه تمام اینها مثل یک حلقه زنجیر به‌هم وصل است. اقتصاد کلان کشور تحت‌تاثیر سیاست‌های بین‌المللی است که به نوبه خود اثر خود را روی کشاورزی و صنعت هم می‌گذارد. در حال حاضر ۷۰درصد صنایع هم تعطیل هستند. اما در کشاورزی ظرفیت‌ها در حال نابودی است که این موضوع اوضاع را وخیم‌تر می‌کند.

◄ به‌نظر می‌رسد واردات پیشگی در اقتصاد ایران نهادینه شده است برای همین شاید ضرورت داشته باشد تا با تشکل‌های وارداتی به‌گونه‌ای دیگر برخورد شود. آیا باید آنها را با همین ساختار حفظ کرد یا اینکه با تغییراتی از مجموعه‌های وارداتی به‌عنوان ابزاری برای تنظیم بازار و البته تقویت تولید داخلی استفاده کرد؟

نکته اول که باید به آن اشاره کنم این است که در ایران کسی که سرمایه داشته باشد، می‌تواند واردات را انجام دهد. این شرکت‌های سرمایه‌گذار می‌توانند شرکت‌های تخصصی را به‌وجود آورند. واردات در حوزه کشاورزی یک امر ضروری است. کمبودهای تولید باید از این طریق جبران شود، اما اینکه توسط چه‌کسانی باید انجام شود، بحث آنهایی خواهد بود که به‌دنبال احیای سازمان برنامه و بودجه هستند، این سازمان و شورای اقتصاد، حلقه کنترل واردات خواهند بود. نباید فراموش کنیم که پیش از دولت نهم هم واردات محصولات کشاورزی وجود داشت.

◄ اگر واردات به‌صورت بی‌رویه باشد، همین ۴۰درصد ظرفیت تولید داخل هم از بین می‌رود.

وقتی می‌گویند که کشور x میلیون‌تن گندم، y میلیون‌تن علوفه و z میلیون‌تن گوشت وارد کرده است، یعنی بیش از این نباید وارد شود. واردکننده نیز باید دارای شرایط مشخص بوده، حرفه‌ای باشد و دارای سرمایه کافی. از آنجا که بیشتر واردکنندگان از بخش خصوصی هستند، اگر غیر از این باشد مسلما آنها ضرر خواهند کرد. در مورد ورود برخی از موسسات غیراقتصادی و بانک‌هایی که وارد حیطه واردات می‌شوند. کسی که کالا را گران بفروشد، ضرر می‌کند. ما نباید به این بهانه رقابت را از بین ببریم و در این زمینه انحصار به‌وجود آید.

◄ این اتفاق در این سال‌ها رخ داده است و به بهانه مدیریت واردات گروهی تمام اختیارات را در دست گرفتند و اگر به آمارهای رسمی واردات در زمینه مواد پروتئینی رجوع کنیم، می‌بینیم که بخشی از اعضای اصلی همین گروه‌ها بیشترین حجم واردات را در اختیار دارند و سایر واردکنندگان سهم بسیار ناچیزی دارند. همین می‌شود که مافیای واردات، گوشت را با قیمت حدود ۹هزارتومان وارد می‌کردند و حدود ۱۶هزارتومان به فروش می‌رساندند.

این مشکل، به دلیل وجود رانت است. دولت آقای روحانی باید در ابتدا نیاز کشور برای واردات را شناسایی کند و یک فضای رقابتی برای واردکنندگان به‌وجود آورد تا نیاز بازار به‌خوبی تامین شود.

ادامه در صفحه ۶

خبر

«مسکن مهر» در شهرهای جدید مشتری ندارد

● **تسنیم:** وزیر راه و شهرسازی با اشاره به ساخت ۴۰۰هزارواحد مسکن مهر در شهرهای جدید ایران گفت: بسیاری از واحدهای شهرهای جدید مشتری ندارند و این به آن معناست که نتوانستیم زیرساخت‌های مناسبی برای سکونت ساکنان آنها فراهم آوریم. عباس آخوندی، با بیان اینکه جمعیت تهران قرار بود در عدد ۷/۵میلیون‌نفر کنترل شود، گفت: ساختمان و راه که شهر نیست. شهر مفهوم اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دارد. شهرهای جدید از این پتانسیل عمده در آغاز شکل‌گیری محروم بوده‌اند. به گفته او، ۲۴۰هزارواحد در اطراف تهران است که تا جایی که خبر دارم کمتر از ۴۰هزارواحد آن تحویل شده است و از این میزان فقط ۲۰هزارواحد مسکونی است، یعنی مردم در آن ساکن شده‌اند. آخوندی با بیان اینکه راه‌اندازی این واحدها کار خیلی خیلی سختی است، افزود: در خدمات زیربنایی و روبنایی با چالشی‌های جدی روبه‌رو هستیم‌برای اینکه بخواهیم به‌عنوان مثال جمعیت شهر پردیس را از ۴۰هزارنفر کنونی به ۴۰۰هزارنفر جمعیت در طول دو سال افزایش دهیم.

رییس انجمن خودروسازان:

نماینده «اسکانیا»ی سوئد به ایران فراخوانده شد

● **فارس:** رییس انجمن خودروسازان درخصوص حادثه برخورد دو اتوبوس در اتوبان قم با بیان اینکه نماینده اسکانیای سوئد به ایران فراخوانده شده است، گفت: باید بررسی‌های کارشناسی صورت بگیرد و فعلا نمی‌توان مقصر را تشخیص داد. احمد نعمت‌بخش، درخصوص حادثه برخورد دو اتوبوس در اتوبان قم اظهارکرد: اصولا وقتی اتفاقی می‌افتد و سوانحی از این دست رخ می‌دهد، به صورت مستقیم اعلام نمی‌کنند مقصر چه کسی است، بلکه بررسی‌های کارشناسی صورت‌گرفته و در نهایت با جمع‌بندی اعلام نظر نهایی صورت می‌گیرد، اما متاسفانه در این حادثه و بدون بررسی کارشناسی ۵۰درصد تولیدکننده را مقصر می‌دانند که این کار صحیح نیست. وی افزود: در ادامه بررسی‌های دلیل اصلی سانحه دو اتوبوس اسکانیا، لاستیک خودرو را برای بررسی کارشناسی به موسسه استاندارد داده‌اند. رییس انجمن خودروسازان گفت: از اسکانیای سوئد خواسته شده است تا نماینده خودش را بفرستد و در این خصوص بررسی‌های لازم صورت گیرد. وی افزود: در بررسی دلایل سانحه می‌توان به عواملی مثل خواب‌آلودگی راننده، ترکیدگی تایر، عوامل جاده‌ای و سایر عوامل خطای انسانی اشاره کرد.

www.sharghdaily.ir